

شرح منظومه ظهر

نگاهی به کتاب شرح منظومه ظهر؛ نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز

سیدمهدی طباطبایی*

اشاره

شرح منظومه ظهر کتابی وزین است که در نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز نوشته شده و در ۷۸۳ صفحه و ۷ فصل و فهرست منابع و مأخذ و فهرست اعلام، با پیش‌گفتار دکتر سنگری و سرآغاز رسول جعفریان روانه بازار کتاب شده است. این کتاب پژوهشی، جایزه ادبی کتاب سال ولایت را به خود اختصاص داده و نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز بوده است. مؤلف کتاب، دکتر غلامرضا کافی، دارای مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی و استاد دانشگاه شیراز است و این کتاب در حقیقت، پایان‌نامه دکتری ایشان بوده است. از میان آثار دکتر کافی، کتاب دستی بر آتش، که نقد و تحلیل شعر جنگ تحمیلی است، برجسته‌تر می‌نماید. ضمن پاسداشت زحمات این نویسنده گرامی، نقد و بررسی‌ای کوتاه بر این کتاب به شرح ذیل تقدیم می‌گردد. رویکرد تحقیق بر این بوده است که در ابتدا برجستگی‌ها و نقاط قوت کتاب مطرح شده و در ادامه، کاستی‌های آن نموده شده است.

نگاهی به کتاب

نویسنده ورودی خوب به کل ماجرا داشته است که ادبیات عاشورایی را برآمده و پرورده مجموعه‌ای بزرگ‌تر به نام ادبیات دینی می‌داند که در عین حال، ادبیات عاشورایی وسیع‌ترین شاخه ادبیات دینی نیز هست. او چند دلیل عمده برای ضرورت نگارش چنین کتابی بیان می‌کند، که خالی بودن عرصه از جستاری جامع در خصوص شعر عاشورایی، میزان قابل توجه حجم این نوع ادبی و

- * شرح منظومه ظهر (نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز).
- * غلامرضا کافی.
- * چاپ اول، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد، بهمن ۱۳۸۶.

می‌پردازد تا جانشین اشعار سخیف عامیانه‌ای شود که در آن ایام متداول شده بود.

نقد و بررسی کتاب

نکته‌ای که در نگاه اول توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، تقسیم‌بندی ابتکاری ادوار شعر عاشورایی است، که چهار دوره را در بر می‌گیرد:

الف. دوره پیش از صفویه (قرن چهارم تا دهم)

ب. دوره صفویه (قرن دهم و یازدهم)

ج. دوره افشاریه، زندیه و قاجاریه (قرن دوازدهم و سیزدهم)

د. دوره معاصر (از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰)

این تقسیم‌بندی تقریباً شامل یک دوره ۱۱۰۰ ساله است که در دوره اول آن، اکثر مردم جامعه پیروان سنت و جماعت هستند و شعر و شاعران نیز - به جز جماعتی انگشت‌شمار - تحت تأثیر عقاید این فرقه قرار دارند. دوره دوم، قرن دهم و یازدهم است، که دوران اقتدار شیعه در ایران، هم‌زمان با حکومت صفویه است، که شعر نیز این دگرگونی‌ها را در خود نشان داده است.

نویسنده در نقد و مقایسه دوره‌ها با یگدیگر موفق بوده و از منظر علمی، ادوار را با هم مقایسه و ارزیابی کرده است. همین که دوره چهارم را به شعر عاشورایی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن تقسیم کرده و تفاوت این دو را در نوع شاعران اشعار عاشورایی دانسته است، گویای نگرش عالی اوست.

از ویژگی‌های خوب این کتاب، جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده در پایان هر دوره است، که خواننده را در پیوند مطالب فصل قبل به دوره جدید، یاری می‌بخشد و مانع از گسستگی مفهومی مطالب می‌شود.

مؤلف معتقد است که پیشینه محکم و متقن با حجمی قابل توجه از آثار، در موضوع این اثر وجود ندارد و تمام نوشته‌ها و آثار گزارشی و تحقیقی در این باره در زبان فارسی، مربوط به دوره کوتاه پس از انقلاب اسلامی است. با نگاهی به صفحات اختصاص یافته به هریک از این ادوار، به راحتی می‌توان میزان منابع در اختیار مؤلف را حدس زد: اختصاص ۴۱ صفحه به شاعران دوره اول، ۵۲ صفحه به شاعران دوره دوم، ۲۰۴ صفحه به شاعران دوره

تحول بنیادین این گونه ادبی در دوران معاصر از این جمله‌اند. از سوی دیگر، به دو دوره طلایی و موقعیت برجسته برای شعر عاشورایی اشاره می‌کند، که پیدایش سلسله صفویه و ظهور انقلاب اسلامی است، که باعث دگرگونی صوری و ماهوی اشعار عاشورایی شده است؛ ضمن اینکه نویسنده، دوره سوم را از حیث میزان پرداختن به این نوع شعر، شاخص‌ترین دوره می‌داند که نیمی از حماسه‌های دینی موجود در ادبیات فارسی، در این دوره سروده شده است.

ترتیب بررسی هر دوره به این گونه است که در ابتدا، وضعیت سیاسی و اجتماعی آن دوره مطرح شده و در ادامه، وضعیت عمومی شعر، ویژگی مرثیه‌های عاشورایی و مرثیه‌سرایان آن عصر ارزیابی شده است.

از نظر محتوایی، سرودن سوگ‌سرود در دوره اول، بیشتر به صورت تلویح و تلمیح است؛ اما در دوره دوم، با نوشتن کتاب روضه الشهدا این گونه اشعار به نوعی آمیخته با خرافات می‌شود، که در دوره سوم با ظهور ملافا دربندی به مرحله حسین‌اللهی شدن می‌رسد، تا جایی که قرائت مقتل سپهر کاشانی با نام ناسخ التواریخ، از سوی سیدجمال‌الدین اسدآبادی ممنوع اعلام می‌شود و سرودن اصفهانی با اشاره امیرکبیر، به سرودن مرثیه سخته و بی‌خلل درباره قیام عاشورا

مؤلف معتقد است که پیشینه محکم و متقن با حجمی قابل توجه از آثار، در موضوع این اثر وجود ندارد و تمام نوشته‌ها و آثار گزارشی و تحقیقی در این باره در زبان فارسی، مربوط به دوره کوتاه پس از انقلاب اسلامی است

مؤلف معتقد است که پیشینه محکم و متقن با حجمی قابل توجه از آثار، در موضوع این اثر وجود ندارد و تمام نوشته‌ها و آثار گزارشی و تحقیقی در این باره در زبان فارسی، مربوط به دوره کوتاه پس از انقلاب اسلامی است

عاشورا

رسمی ایران تبدیل می‌شود.

به نظر می‌رسد که نویسنده در ورود به بحث شیعه در ایران و بررسی جنبه‌های آن، قدری شتابزده عمل کرده است؛ چرا که قبل از آل‌بویه، که «نخستین دولت قدرتمند شیعه است که از سال ۳۲۸ تا ۴۴۶ هـ. ق، به مدت نزدیک به یک قرن و نیم توانست در حوزه جغرافیایی ایران و عراق، برخلاف عباسی تسلط کامل داشته باشد» (حضری، ۱۳۸۳: ۸۰)، این طبرستانی‌ها بودند که از سال ۱۷۵ هـ. ق، وارد منطقه دیلم طبرستان شده و رفتار شیعی را با گفتن پنج تکبیر بر میت، ترک مسح بر کفش‌ها در حین وضو و به کار بردن «حیّ علی خیر العمل» در اذان و اقامه بروز دادند (حضری، ۱۳۸۳: ۱۸) و جای آن بود که در این کتاب، اشاره‌ای کوتاه به آنان می‌شد؛ چه، طبری‌ها در شیعه‌گری بر آل‌بویه فضل تقدّم دارند.

از سوی دیگر، نویسنده ناچار است در برخی موارد، مانند کتاب‌های تاریخ ادبیات عمل کند و به شرح زندگی و آثار شاعران بپردازد و ظاهراً بنای کار مؤلف بر این است که در معرفی مرثیه‌سرایان هر دوره، سال تولد و مرگ هر شاعر را در مقابل نامش ذکر کند؛ اما این نکته درباره برخی از آنها، مانند ابوالمفاخر رازی، عطار نیشابوری، سیف فرغانی، اوحدی مراغه‌ای و ... رعایت نشده است.

تأمل برانگیزترین سهو نویسنده، در صفحه ۱۹۶ اتفاق افتاده است، که در حالی که خواننده در انتظار ذکر رباعی جامی است و در پایان مطلب، دو نقطه بیانی آمده است، رباعی بسیار معروف جامی در زمینه اختلاف‌های شیعه و سنی - به هر دلیل - حذف شده و متأسفانه در ساختار جمله نیز تغییری صورت نگرفته است تا این کاستی را بپوشاند.

در پاره‌ای از اوقات، در بیان مطالب یکدستی و انسجام دیده نمی‌شود؛ به عنوان نمونه، در صفحه ۱۹۳ طول دوران حکومت صفویه، ۲۵۰ سال و در صفحه ۱۰۱ و ۱۹۸، نزدیک به ۲۴۰ سال ذکر شده است.

سهوهای کتابتی و دستوری نیز در کتاب مشاهده می‌شود، که به ذکر چند نمونه، آن هم به صورت تصادفی، از صفحه ۱۹۸ تا ۲۱۵ کتاب بسنده می‌شود:

خواندگار = خداوندگار (۱۹۸)، ملیون = میلیون (۲۰۴)، فروانی =

سوم و ۱۵۴ صفحه به شاعران دوره چهارم، گویای مطلب است و به نظر می‌رسد هرچه از دوره اول فاصله می‌گیریم، با توجه به افزونی منابع مورد استناد به آن، مؤلف نیز در کار خود موفق‌تر نشان می‌دهد و بهتر می‌تواند به ارزیابی بپردازد و این نکته به طور خاص، خود را در بررسی دوره سوم و چهارم نمایان می‌کند.

در بخش دیگری از کتاب، اشاره‌ای به شناخت شیعه و زمان معرفی آن به جهان اسلام شده است، که از زمان ظهور اسلام تا پایان دوره مغول، مذهب رایج در نشستگاه شعر فارسی، مذهب سنی حنفی است و به این نکته اشاره شده است که تا اوایل سده چهارم هجری، اجازه عزاداری عمومی به شیعیان داده نمی‌شد، اما با حکومت آل‌بویه - از ۳۳۴ تا ۴۴۷ - شیعه زندگی‌ای دوباره پیدا می‌کند. بعد از آن، سیاست ضد شیعه غزنویان و سلجوقیان، به‌ویژه در زمان خواجه نظام‌الملک، دورانی سخت برای شیعیان به دنبال دارد و با سقوط نظام‌الملک در اواخر حکومت ملکشاه سلجوقی، نفوذ شیعیان در مسائل حکومتی گسترش می‌یابد؛ به طوری که سوگواری خاندان رسول در جامعه، عمومی می‌شود. سرانجام با حمله مغول به بغداد و سقوط خلفای عباسی در قرن هفتم، تشیع در ایران رواج می‌یابد؛ تا اینکه با ظهور صفویه، به دین

نویسنده ناچار است در برخی موارد، مانند کتاب‌های تاریخ ادبیات عمل کند و به شرح زندگی و آثار شاعران بپردازد و ظاهراً بنای کار مؤلف بر این است که در معرفی مرثیه‌سرایان هر دوره، سال تولد و مرگ هر شاعر را در مقابل نامش ذکر کند؛ اما این نکته درباره برخی از آنها، مانند ابوالمفاخر رازی، عطار نیشابوری، سیف فرغانی، اوحدی مراغه‌ای و ... رعایت نشده است

نویسنده ناچار است در برخی موارد ریشه‌های تاریخ ادبیات عمل کند و به

ذکر نام برخی از شاعران با عنوان مرثیه سرا و عدم ذکر حتی یک بیت از آنها، از شیوه علمی کار کاسته است. این مطلب، در شرح احوال ضمیری اصفهانی، که ۱۲۰۰۰ بیت قصیده دارد و مزین به مدح ائمه معصومین است و شرح احوال ظهوری ترشیزی، که رباعی‌های عاشورایی او، بدون ذکر یک نمونه ستوده شده، مشهود است

فراوانی (۲۰۹)، شخصت = شخصیت (۲۱۵).

جمله‌بندی زیر نیز در این صفحات به چشم می‌خورد، که نارسایی آن آشکار است:

«بدین معنی که هیجانات سیاسی ناشی از تشکیل یک حکومت شیعی، غالی‌گری‌های شتاب‌زده و باورهای خرافی در جامعه رواج یافت» (۱۹۸).

گاهی نویسنده در برخورد با اشعار و شاعران دچار نوعی عدم رویه مناسب می‌شود؛ به طور مثال، در صفحه ۲۳۸، از اسیری لاهیجی نام می‌برد، که اثر معروف او، غزوانه‌ای است که شرح غزوه‌های پیامبر است؛ در حالی که عنوانی که شاعران تحت آن بررسی می‌شوند، «مرثیه‌سرایان عصر حاضر» است و جنگ‌ها در این مقوله قرار نمی‌گیرند. این اشکال بر «حملة حیدری باذل مشهدی» (۲۶۷) نیز وارد است.

از سوی دیگر، ذکر نام برخی از شاعران با عنوان مرثیه‌سرا و عدم ذکر حتی یک بیت از آنها، از شیوه علمی کار کاسته است. این مطلب، در شرح احوال ضمیری اصفهانی، که ۱۲۰۰۰ بیت قصیده دارد و مزین به مدح ائمه معصومین است (۲۳۹) و شرح احوال ظهوری ترشیزی، که رباعی‌های عاشورایی او، بدون ذکر یک نمونه ستوده شده (۲۴۹)، مشهود است. جالب اینجاست که خواننده در نمی‌یابد که قصاید شهاب اصفهانی در مرثی و تعزیت سیدالشهدا چگونه بوده است؟ (۳۹۴)

تسلط روح شاعرانه نویسنده، در برخی از داورهای ایشان دیده می‌شود، آنجا که ادعا می‌کند عشق و عرفان در ساحت عاشورا، از آنگاه شروع می‌شود که حضرت زینب (س) در پاسخ سؤال عبیدالله درباره واقعه عاشورا، می‌گوید: ما رأیت الا جمیلاً (۳۰۷). سؤال اینجاست که به راستی قبل از آن، هیچ نمود عرفانی در جریان عاشورا نمی‌توان سراغ گرفت؟

نویسنده در معرفی مرثیه‌سرایان دوره اول، عطار نیشابوری

را در میان آنها نام برده و ادعا می‌کند که اگرچه مذهب وی به صراحت بیان نشده، اما خاستگاه وی، نیشابور، تشیع او را نمایان می‌سازد. استناد مؤلف به کتاب مظهر العجایب و نتیجه‌گیری این گونه که این کتاب، تردیدی در شیعه دوازده امامی بودن عطار باقی نمی‌گذارد، جای سؤال دارد؛ سؤالی که درباره سنایی و اوحدی مراغه‌ای و ... دوباره تکرار می‌شود. برای روشن شدن موضوع، فقط به توضیح درباره عطار نیشابوری بسنده می‌کنیم:

اولین کتاب مورد استناد ما، تذکره الاولیاست، که عطار در آن شرح احوال و اقوال ۹۷ تن از مشایخ طریقت را ذکر کرده است، که دو امام شیعیان: امام جعفر صادق (ع) و امام محمدباقر (ع) و سه تن از امامان اهل سنت و جماعت: احمد حنبل، محمد بن ادریس شافعی و ابوحنیفه نعمان بن ثابت را شامل می‌شود که به عقیده نویسنده مقدمه تذکره‌الاولیاء، ذکر این پنج تن در شمار مشایخ، بی‌مصلحت‌اندیشی نبوده و مؤلف می‌خواسته، شیعه و سنی را از خود خشنود کند (سرامی، ۱۳۷۶: ۹)

توجه به این نکته هم ضروری است که نگرش به شخصیت عطار نیشابوری در طی قرون و اعصار متفاوت بوده است؛ تا جایی که کتابی که مطلع و مقطع آن، یادکرد امامان شیعه است، به عنوان کتابی مملو از تعریف و تمجید ناصیبان و دشمنان شیعه توسط علامه برقی معرفی می‌گردد (همان: ۱۷).

«مظهر العجایب نیز از آثاری است که حرف و حدیث بسیاری با خود به همراه دارد. آقا محمدخان قزوینی که این کتاب را متعلق به عطار می‌داند، معتقد است که اشعار این کتاب بالنسبه با سایر اشعار عطار تفاوت واضح دارد در پستی و سستی و قدری رکاکت، و هر کس منطق الطیر و الهی‌نامه و خسرو و گل و دیوان عطار را مطالعه کرده باشد، برای او قدری مشکل است اعتقاد کند که صاحب مظهر العجایب با آنها یکی بوده است» (قزوینی، ۱۳۷۶: ۲۸).

اگرچه آقا محمدخان قزوینی علت این انحطاط شعری را خمود طبع عطار در کلانسالی می‌داند، اما تعجب خود را از نگارش کتابی به نام علی بن ابی‌طالب - که یکی از القاب او مظهر العجایب است - آن هم از فردی که در کتاب‌های پیشین خود، صریحاً اظهار می‌دارد که از اهل سنت و جماعت است، پنهان نمی‌کند.

اما اهل سنت و جماعت بودن عطار، همان چیزی است که ما تا قرن دهم آن را در میان اهل سنت و جماعت مشاهده می‌کنیم. آنها اهل بیت پیامبر را دوست دارند و به آنها عشق می‌ورزند. بهتر است از زبان خود عطار این مسئله را بشنویم:

«عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را نباید گفت به حقیقت. و من آن نمی‌دانم که کسی در خیال باطل مانده است. آن می‌دانم که هر که به محمد ایمان

دارد و به فرزندانش ندارد، به محمد ایمان ندارد...» (عطار، ۱۳۷۶: ۱۱). باید پذیرفت که شایسته‌ترین تحقیقات عطارشناسی در زبان و ادبیات فارسی، مرهون زحمات دکتر شفیعی کدکنی است، که با استناد به مقدمه‌ای که به احتمال قوی، خود عطار در اواخر عمر نوشته، فقط ۶ اثر الهی‌نامه (خسرونامه)، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، منطق الطیر، دیوان و مختارنامه را سروده عطار می‌داند. عطار، خود اشاره کرده است که دو اثر منظوم خود را به نام جواهرنامه و شرح القلب از میان برده و نابود کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۳). دکتر شفیعی کدکنی در مقدمه منطق الطیر از میان معاصران عطار، ۲۴ نفر را نام می‌برد که نسبت و شهرت عطار داشته‌اند و در فاصله ۶۴۰-۵۸۲ فوت کرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۷۹). ایشان معتقد است که «از قرن نهم به بعد، عطارهای بیشتری وارد قلمرو شعر فارسی شده‌اند، که فعال‌ترین آنها مرد سفیهی است از اهل تون، با نظمی بسیار سست و ناتندرست، که مجموعه متنوعی از منظومه‌ها دارد به نام مظهر العجایب و لسان الغیب و در عین حال، خود را صاحب منطق الطیر و اسرارنامه نیز می‌داند و خود را به گونه‌ای معرفی می‌کند که حتی سال‌ها قبل از تولد عطار، صاحب منطق الطیر، باید متولد شده باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۸۷) بحث در این مورد را با ابیاتی از منطق الطیر عطار، که در حقیقت نشانگر دیدگاه عطار در این زمینه است، به پایان می‌بریم:

گر تو هستی مرد این یا مرد آن
کو تو را یا درد این یا درد آن؟
همچو ایشان جانفشانی پیشه گیر
یا خموش و ترک این اندیشه گیر
تو علی دانی و بوبکر ای پسر
وز خدای عقل و جانی بی‌خبر
تو رها کن سرب‌مهر این واقعه
مرد حق شو روز و شب چون رابعه
او نه یک زن بود، او صد مرد بود
از قدم تا فرق عین درد بود
بود دائم غرق نور حق شده

از فضولی رسته، مستغرق شده (عطار، ۱۳۸۴: ۲۵۷)

سخن پایانی

نگارش کتاب، بر مبنای نقد و تحلیل علمی است و در محیط دانشگاهی پرورده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد نیازی به برخی مرزبندی‌ها وجود ندارد و بهتر بود که نویسنده به جای شیعه شمردن شاعرانی که صاحبان تراجم، در اهل تسنن بودن آنها تردیدی ندارند، نمونه شعرهایی از دیگر شاعران شیعی می‌آورد و به ذکر اسامی آنها اکتفا نمی‌کرد (۱۸۸). در اینجا نمونه شعری از غضابری رازی، که استاد ذبیح‌الله صفا اشاره به مذهب تشیع او کرده

و قاضی نورالله شوشتری نیز در مجالس المؤمنین، شعر او را درج کرده است، ذکر می‌شود:

مرا شفاعت این پنج تن بسنده بود
که روز حشر بدین پنج تن رسانم تن
بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر
محمد و علی و فاطمه، حسین و حسن (صفا، ۱۳۸۴: ج ۲، ۵۹۵ و شوشتری، ۱۳۷۵: ۶۱۲)

به طور کلی، می‌توان گفت که به جز بررسی دوره اول شعر عاشورایی، نویسنده در سایر قسمت‌های کتاب موفق بوده است و با ویرایش مجدد سهوهای کتاب و توجه بیشتر به برخی مسائل مانند نوحه و شعر نو- که در مقایسه با دیگر موضوعات، نمودی کم‌رنگ‌تر داشته‌اند- این کتاب می‌تواند به عنوان یکی از بهترین سرچشمه‌های تحقیق در ادبیات عاشورایی تبدیل شود.

نکته آخر اینکه ره سپردن در وادی‌ای که تا کنون پیموده نشده، کاری است بسیار دشوار که جسارت و توانی خاص را طلب می‌کند و اگر مطالبی در این تحقیق، به عنوان کاستی مطرح شده است، به هیچ وجه تلاش نویسنده را زیر سؤال نمی‌برد؛ بلکه قدرشناس قلم شیوای دکتر غلامرضا کافی است که با نقد و تحلیل خود، افقی جدید برای تحقیقات عاشورایی گشود و مسیر را برای پیمودن دیگران هموار کرد.

پی‌نوشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.

کتابنامه

- حضری، احمدرضا، ۱۳۸۳، تاریخ تشیع. تهران: سمت.
- سرامی، قدمعلی، ۱۳۷۶، مقدمه تذکره‌الاولیاء. به کوشش ا. توکلی. تهران: بهزاد.
- شوشتری، نورالله، ۱۳۷۵، مجالس المؤمنین. تهران، کتابفروشی اسلامیة
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۸۴، تاریخ ادبیات ایران. تهران: امیرکبیر.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۷۶، تذکره‌الاولیاء. به کوشش ا. توکلی، تهران: بهزاد.
- -----، ۱۳۷۵، مختارنامه. تصحیح و مقدمه از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عطار، فریدالدین، ۱۳۸۴، منطق الطیر. مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- قزوینی، محمدخان، ۱۳۷۶، تذکره‌الاولیاء. به کوشش ا. توکلی، تهران: بهزاد. - کافی، غلامرضا، ۱۳۸۶، شرح منظومه ظهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.ظ